# فروغ ایمان

# در قلب ابوطالب علیه السلام

شمس الله صفرلکی

بسم الله الرحمن الرحیم

# فروغ ایمان در قلب ابوطالب

نویسنده:

شمس الله صفرلکی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# فروغ ایمان در قلب ابوطالب

## مشخصات کتاب

عنوان : فروغ ایمان در قلب ابوطالب
پدیدآورندگان : ۹۱؟-۳قبل از هجرت. ابوطالب بن عبدالمطلب, f(توصیف گر)
شمس الله صفرلکی(پدیدآور)

## مقدمه

در برخی از کتب اهل تسنن جملاتی درمورد ابوطالب دیده می‌شود که حکایت از کم لطفی یا بی لطفی یا کینه نویسندگان آن کتاب‌ها نسبت به شخصیت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دارد. جای شک نیست که اگر یک دهم گواه‌هایی که بر ایمان و اسلام ابوطالب آمده است، درباره یک فرد دیگر آمده بود، همگی از سنی و شیعه، بالاتفاق اسلام و ایمان او را تصدیق می‌کردند ;ولی چگونه است که با وجود ده‌ها شاهد محکم برایمان او، باز گروهی وی را تکفیر کرده‌اند و حکم به کفر و عذاب او نموده‌اند و گفته‌اند که برخی از آیات که مشعر بر عذاب است، درحق ابوطالب نازل گردیده است؟! به راحتی می‌توان فهمید که هدف از طرح این مساله، جز طعن فرزندان ابوطالب، به ویژه امیرمؤمنان علیه السلام چیز دیگری نیست.برخی از نویسندگان اهل تسنن برای این که بهتر بتوانند ابوطالب را تکفیر کنند، دامنه بحث را به پدران پیامبر صلی الله علیه وآله کشانیده‌اند و پدر و مادر آن حضرت را نیز غیر مؤمن قلمداد نموده‌اند. [۱] . مسلم است که در موضوع نسب و نژاد، بعد از شخص خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله کسی به شرافت علی علیه السلام نمی‌رسد. به قدری نسبت و نژاد آن حضرت پاک و درخشان است که برخی ازمتعصبین، مانند: علاءالدین قوشچی، جاحظو سعدالدین تفتازانی گفته‌اند: ما از کلمات علی علیه السلام که فرموده است: «نحن اهل البیت لایقاس بنا احد ;»ما اهل بیت رسول الله هستیم که احدی را نتوان به ما قیاس کرد، حیرانیم. احمدبن محمد کرزی بغدادی می‌گوید: ازعبدالله بن‌احمد بن‌حنبل شنیدم که گفت: «وقتی در مورد فضیلت صحابه از پدرم،احمد بن حنبل سؤال کردم، گفت: ابوبکر، عمر و عثمان. گفتم: پس جایگاه علی ابن ابی طالب علیه السلام کجاست؟ پدرم گفت: «هو من اهل البیت لایقاس به هؤلاء ;»علی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است و صحابه را نباید با او قیاس کرد. امام احمدبن حنبل در کتاب مسند خود، می رسید علی همدانی شافعی در کتاب مودة القربی ابن مغازلی شافعی در مناقب و محمد بن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤل نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «من و علی نوری بودیم در اختیار قدرت خدای تعالی، چهارده هزار سال قبل ازخلقت آدم. پس چون خداوند آدم را خلق نمود، ما را که نور بودیم، در صلب آدم قرار داد و ما در صلب آدم پیوسته با هم بودیم، تادر صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم. پس در من، نبوت و در علی، خلافت را ظاهر ساخت.» [۲] . این حدیث را بسیاری از علمای اهل‌تسنن نقل کرده‌اند که می‌توان به افراد ذیل اشاره‌کرد: ۱ – خوارزمی در فصل چهارم مناقب. ۲ – ابن جوزی در تذکره. ۳ – ابن صباغ مالکی در فصول المهمهٔ. ۴ – گنجی شافعی در کفایهٔالطالب. ۵ – ابن ابی الحدید در جلد دوم شرح نهج‌البلاغه. ۶ – شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع المودهٔ. ۷ – حموینی درکتاب فرائد السمطین. از طرف دیگر، طبق آنچه که از کتب تاریخی و انساب استخراج می‌شود، نیاکان حضرت علی علیه السلام برخلاف دیگران، همگی تا آدم ابوالبشر علیه السلام موحد و خدا پرست بودند و در صلب و رحم نا پاکی قرار نگرفتند.

## دلیل‌هایی بر ایمان ابوطالب

## اشاره

طرز تفکر و عقیـده هرشخصـی را ازچنـد راه می‌توان به دست آورد: ۱ - بررسـی آثـار علمی و ادبی که از او مانـده است. ۲ - طرز رفتار و کردار او در میان جامعه. ۳ - عقیده دوستان و نزدیکان او. [۳] . عقیـده و ایمان ابوطالب را از سه راه یاد شده می‌توان اثبات کرد.

## بررسی آثار علمی

اشـعار و سـروده‌های ابوطـالب کاملا بر ایمان و اخلاص او گواهی می‌دهـد. اشـعار ابوطالب گنجینه‌ای علمی و ادبی است که دارای مضامین عالی توحیـدی می‌باشـد. برای نمونه به چنـد بیت آن اشاره می‌شود: لیعلم خیار الناس ان محمـدا نبی کموسـی والمسـیح بن مریم اتانابهـدی مثل ما اتیابه فکل بامرالله یهـدی و یعصم. [۴] . اشـخاص شـریف و فهمیده بدانند که محمد صلی الله علیه وآله بسان موسـی و مسـیح، پیامبراست. او هدایت را برای ما به ارمغان آورد، همان گونه که مسـیح و موسی و تمام پیامبران به فرمان خدا مردم را راهنمایی و از گناه بازمی‌دارنـد. تمنیتم ان تقتلوه و انما امانیکم هذی کاحلام نائم نبی اتاه الوحی من عند ربه و من قال لایقرع بها من نادم ای سـران قریش! تصور کرده‌ایـد که می‌توانید بر او دست یابید، در صورتی که آرزویی را که در سـر می‌پرورانید، کم‌تر از خواب های آشفته نیست. او پیامبر است و از ناحیه خداوند بر او وحی نازل می‌شود و کسی که جواب منفی بدهد، انگشت پشیمانی به دنـدان خواهـد گرفت. الم تعلموا انا وجـدنا محمـدا رسولا کموسـی خط فی اول الکتب و ان علیه فی العباد محبـۀ و لاحیف فیمن خصه الله بالحب ای قریش! آیا نمی‌دانید که ما او را مانند موسـی، پیامبر می‌دانیم و نام و نشان او درکتاب های آسـمانی قید گردیده است. و بنـدگان خـدا محبت مخصوص به وی دارنـد و نبایـد درباره کسـی که خـدا محبت او را در دل ها به ودیعت گذارده است، تاسف خورد. والله لن یصـلوا الیک بجمعهم حتی اوسد فی التراب دفینا فاصدع بامرک ماعلیک غضاضۀ وابشربذاک وقر منک عیونا ودعوتنی و علمت انـک ناصـحی ولقـد دعوت و کنت ثم امینا و لقـد علمت ان دین محمـد (ص) من خیر ادیان البریـۀ دینا ای برادر زاده‌ام (پیامبر اسلام‌صـلی الله علیه وآله)! هرگزقریش به تو دست نخواهند یافت و تا آن روزی که لحد را بستر کنم و در میان خاک بخوابم، دست از یاری تو برنخواهم داشت. آنچه را ماموری، آشکار کن و از هیچ چیز مترس و بشارت ده و چشمانی را روشن ساز. مرا به آئین خود خوانـدی و می‌دانم تو پنددهنده من هستی و در دعوت خود امین ودرسـتکاری. حقا که کیش محمد صـلی الله علیه وآله ازبهترین آیین هاست! [۵] . از اشعار معروف ابوطالب که دلالت‌برایمان او دارد، قصیده‌های «لامیه» و «میمنه»او می‌باشد: لعمری لقـد کلفت وجـدا باحمـد واحببته حب الحبیب المواصل وجدت بنفسـی دونه فحمیته ودافعت عنه بالذری والکواهل وایده رب العباد بنصـره واظهر دینا حقا غیر باطل [۶] . به جان خودم! به قدری به واسـطه وجود احمد صـلی الله علیه وآله در وجد و سرور غوطه ورم که وجـدرا به زحمت آورده‌ام ؛زیرا او را به قدری دوست می‌دارم مانند کسـی که دوست خود را به سـینه گرفته باشد. جان خود را نثـار او کنم و حمـایت از او نمـایم به اعضـای رئیسه و غیر رئیسه خود. خداونـد او را پاینـده بـدارد که جمال اهل دنیا است و نقمت دشـمنان و زینت هر کوی و محفل است. پروردگار بنـدگان او را با توفیقات خود تایید و یاری نمود و ظاهر و محقق کرد دین حقی را که باطل در او راه نـداشت. از دیگر اشـعار او که صـراحت بر ایمان ابوطالب دارد، شـعری است که ابن ابی الحدیـد در جلد سوم شرح نهـج البلاـغه آورده است: یا شاهـد الله علی فاشـهد انی علی دین النبی احمـد من ضل فی‌الـدین فانی مهتـد «ای گواهان! شاهد باشید که من بر دین پیغمبر خدا احمد صلی الله علیه وآله استوارم. هرکس از آن‌خارج است، باشد. من به او هدایت‌شدم.» هریک از این قطعات، قسـمت کوچکی از عقائد مفصل و نغز ابوطالب است که هر یک به تنهایی در اثبات ایمان و اخلاص گوینده آن کافی است.

## طرز رفتار و کردار او در میان جامعه

### اشاره

راه دوم، نوع رفتار ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه وآله و نحوه فداکاری و دفاع او از ساحت اقدس رسول خداست. هر کدام از آن خدمات می‌تواند آیینه فکر و روشنگر روحیات اوباشد، زیرا ابوطالب شخصیتی است که راضی نشد برادر زاده او دل شکسته شود و علی رغم تمام موانع و نبود امکانات، زحمت بردن او را به شام پذیرفت. پایه اعتقاد او به فرزند برادر، تا آن حداست که او را همراه خود به مصلی برد و خدا را به مقام او قسم داد و باران رحمت طلبید. وی در راه حفظ رسول خدا صلی الله علیه وآله از پای ننشست و سه سال زندگی در شکاف کوه واعماق دره را بر ریاست و سیادت مکه ترجیح داد، تا آن جا که این وضعیت او را فرسوده ساخت و باعث رحلت او گردید. ایمان او به رسول خدا صلی الله علیه وآله به قدری محکم بود که راضی شد تمام فرزندانش کشته شوند، ولی پیامبر صلی الله علیه وآله زنده بماند. ابوطالب شب ها علی را در رختخواب پیامبر صلی الله علیه وآله می‌خوابانید تا اگر سوء قصیدی در کار باشد، به پیامبر صلی الله علیه وآله اصابت نکند. اوحاضر شد تمام سران قریش به عنوان انتقام کشته شوند و طبعا تمام قبیله بنی هاشم نیز کشته می‌شد.

### وصیت ابوطالب هنگام مرگ

ابوطالب هنگام مرگ به فرزندانش چنین گفت: من محمد را به شما توصیه می کنم ;زیرا او امین قریش و راستگوی عرب و حائز تمام کمالات است. آیینی آورده است که دل ها بدان ایمان دارند، اما زبان‌ها از ترس شماتت به انکار آن برخاسته است. من می‌بینم که افتادگان و ضعیفان عرب به حمایت او برخاسته، به او ایمان آورده‌اند و محمد به کمک آن ها بر شکستن صفوف قریش قیام نموده است. ای خویشاوندان من! از دوستان و حامیان حزب او (اسلام) باشید. هر کس او را پیروی کند، سعادتمند می گردد و اگر اجل مرا مهلت می‌داد، من حوادث و مکاره روزگار را از او دفع می‌نمودم. [۷] .

### موضع ابوطالب در آغاز بعثت

روزی که پیامبر صلی الله علیه وآله تمام خویشاوندان خود را جمع کرد و آیین اسلام را بر آنان عرضه نمود، ابوطالب به او گفت: «برادر زاده‌ام! قیام کن! تو والامقامی! حزب تو گرامی ترین حزب هاست! تو فرزند مرد بزرگی هستی! هر گاه زبانی تو را آزار دهد، زبان های تیزی به دفاع تو برمی‌خیزد. به خدا سوگند! اعراب مانند خضوع بچه حیوان نسبت به مادرش در پیشگاه تو خاضع خواهند شد.» [۸] .

## عقیده دوستان و نزدیکان

از آن جا که اهل خانه بهتر می‌دانند که درخانه چیست و چه می گذرد، ایمان ابوطالب را باید از زبان اهل بیت علیهم السلام شنید: ۱ - وقتی علی علیه السلام خبر مرگ ابوطالب را به‌پیامبر صلی الله علیه وآله داد، وی سخت گریست و به علی علیه السلام دستور غسل و کفن و دفن داد و از خداوند برای او طلب مغفرت نمود. ۲ - در محضر امام سجاد علیه السلام از ایمان ابوطالب سخن به میان آمد. آن حضرت فرمود: «در شگفتم که چرا مردم در اخلاص او تردید دارند، در صورتی که هیچ زن مسلمانی نبایست بعد از اسلام آوردن در حباله شوهر کافر خود بماند و فاطمه بنت اسد که از سابقین در اسلام است، تا هنگام مرگ ابوطالب در نکاح او بود.» ۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: «ایمان ابوطالب بر ایمان بسیاری از مردم ترجیح دارد و امیرمؤمنان دستور می‌داد از طرف وی

حج به جا آورند.» [۹] . ۴ – امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت ابوطالب بسان اصحاب کهف است که در دل ایمان داشتند و تظاهر به شرک می‌نمودند. ازاین جهت دو بار ما جور خواهند بود.» ۵ – حضرت عبدالعظیم حسنی در نامه‌ای از محضر امام رضا علیه السلام در مورد ایمان ابوطالب سؤال نمود. امام رضا علیه السلام در جواب‌فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم. اگر در ایمان ابوطالب شک کنی، سرنوشت تو آتش جهنم‌است.» [۱۰] . ۶ – عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال: «نزل جبرئیل علیه السلام علی النبی صلی الله علیه وآله فقال: یا محمدا! ان ربک یقرئک السلام و یقول: انی قد حرمت النار علی صلب انزلک و بطن حملک و حجر کفلک فالصلب صلب ابیک ابیه عبدالله بن عبدالمطلب و البطن الذی حملک آمنهٔ بنت وهب و اما حجر کفلک فحجر ابی طالب ؛.»امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «من حرام کردم آتش را بر صلبی که تو راحمل کرد و شکمی که تو را پروراند و دامنی که تو را متکفل شد ;پس صلب یعنی پدرت عبدالله و شکم یعنی مادرت آمنه و دامن یعنی عمویت ابوطالب.» [۱۱] .

## پاورقی

[۱] الغدیر، ج ۷، ص ۳۳۰.

[۲] مودهٔ القربی، (المودهٔالثانیه.).

[۳] الغدیر، ج ۷، ص ۳۳۱.

[۴] فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۰۰.

[۵] فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۰۰.

[۶] شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ص ۳۱۶.

[۷] سیره حلبی، ج ۱، ص ۳۸۹.

[۸] فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۰۳.

[۹] الغدیر، ج ۷، ص ۳۹۰. ]

[۱۰] همان، ص ۳۹۵.

[۱۱] همان، ص ۳۹۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».